

جستاری تطبیقی بر رمانتیسیم فردی بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور

دکتر عباس گنجعلی
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری
سکینه صارمی گروی*

چکیده

بدرشاکر سیاب و قیصر امین پور از پیشگامان شعر معاصر عربی و از شاعران خوش ذوق و نوآوری هستند که اصول مکتب رمانتیسیم از جمله طبیعت‌گرایی، سفر تاریخی و ... در اشعارشان بخوبی نمایان است. قیصر امین پور شاعری است که بازتاب احساسات و عواطف بخوبی در شعرش نمایان است؛ گرچه سهم درد و اندوه در این میان بیشتر است تا جایی که به این نام (شاعر درد و اندوه) ملقب شده است.

این دو شاعر در عین بعد مکانی و زمانی دارای روحیات و ویژگیها و زبان شعری مشابهی هستند. این پژوهش بر چند فرضیه استوار است: ۱. سیاب و قیصر هر دو از میان گونه‌های مختلف رمانتیسیم به رمانتیسیم آرمانشهری پایبند هستند. ۲. سفر جغرافیایی و گریز از محیط و اشتیاق برای رسیدن به وطنشان در آثار آنها مشهود است. ۳. بیان احساسات مثل درد و رنج و عشق و ... در آثار آنها نمود یافته است.

این جستار کوششی تطبیقی است که بازیابی چگونگی به کارگیری اصول و مبانی مکتب رمانتیسیم و بیان وجوه تفاوت و تشابه آن را در اشعار بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور، مطمح نظر قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی فارسی و عربی، رمانتیسیم در شعر، بدر شاکر سیاب، رمانتیسیم در شعر، قیصر امین پور، ادبیات معاصر ایران و عرب.

مقدمه

بی‌اینکه بین قیصر و سیاب ارتباطی باشد در زندگی آنها نقاط اشتراک بسیاری می‌توان یافت. با مراجعه به دیوان اشعار این دو شاعر، ویژگیهای مشترک در مضامین شعری، نمادها، افکار و مهارتهای شعری خودنمایی می‌کند.

ادیب و شاعر رمانتیک همیشه بین آرزوها و آرمانها و واقعیات جامعه درگیر است. یکی از ویژگیهای آنان، بازگشت به طبیعت و احساس دلسردی و انزجار از تمدن جدید است که در آثارشان موج می‌زند و از سوی دیگر بخوبی توانسته‌اند احساسات و عواطفشان را به تصویر بکشند. از اصول دیگر گریز از زمان و محیط موجود و سفر تاریخی و جغرافیایی به زادگاه است؛ مثل جیکور و گتوند زادگاه سیاب و قیصر امین پور.

این مقاله با گلچینی از بهترین سروده‌های قیصر و سیاب با تکیه بر دیوان بدر شاکر سیاب، مجموعه اشعار قیصر امین‌پور، آسیب‌شناسی روانی از سعید شاملو، مکاتب ادبی رضا حسینی و ... نوشته شده است.

این مقاله در راستای پاسخگویی به این چند سؤال است: ۱. آیا هر دو شاعر نوگرا و متجدد هستند؟ ۲. کدام ویژگی رمانتیسم در اشعارشان نمایان است؟ ۳. کدام یک از دو شاعر در بیان احساسات و عواطف خویش و دردهای جامعه موفقتر بوده‌اند؟

از آنجا که ادبیات تطبیقی به مقایسه ادبیاتی مشخص با ادبیات سایر ملتها یا برخی از آنها، و نیز به مقایسه اثر ادبی در یکی از زبانها با اثر ادبی مشابه در زبان دیگر اهتمام می‌ورزد، این جستار نیز در پی این است تا در این چارچوب، - و البته بر اساس مکتب امریکایی و با رویکرد اصالت تشابه و همانندی - ضمن معرفی این دو شاعر و مکتب رمانتیسم، به بیان وجوه اشتراک و تفاوت در اشعار آنها بپردازد.

ناگفته نماند اگرچه شعرهای گلچین شده، و ذکر شده در این جستار، بیشتر دربردارنده روحیات شخصی و تأملات فردی سیاب و قیصر باشد، نباید از نظر دور داشت که بُعد دیگر این اشعار، دورنمایی اجتماعی را به تصویر می‌کشد و التزام به قضایای انسانی را می‌رساند. شاهد این ادعا سخن سیاب در مقدمه مجموعه شعری «أساطیر» اوست که شعر را دارای هدفی اجتماعی می‌داند: «من بر این باورم که شاعر در برابر جامعه بدبختی که در آن زندگی می‌کند، دینی دارد که باید آن را ادا کند؛ ولی

نه بدین معنا که شاعر به عنوان برده‌ای برای این کار، تلقی شود. اگر شاعری در بیان و تعبیر خود از زندگی صادق باشد به یقین از دردها و آرزوهای جامعه هم سخن خواهد گفت. زمانی که وی دردها و احساسهای شخصی خود را به تصویر می‌کشد در ژرفای این تعبیرها و احساسات، گویی احساسات اکثریت مردم بیان می‌شود (ادونیس، ۱۹۶۷: ص ۵).

تاکنون در این زمینه پژوهش و تحقیقی به صورت تطبیقی انجام نشده است؛ به همین دلیل در این جستار برآنیم تا ویژگیهای رمانتیسیم را در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور، مورد تطبیق و بررسی قرار دهیم.

گذری کوتاه بر مکتب رمانتیسیم و عوامل آن

از اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هجدهم میلادی، که وضع اجتماعی و افکار عمومی مردم اروپا دستخوش تغییرات شگرفی شد، اروپاییان دریافتند که زبان ادبی مکتب کلاسیک، قالب اندیشه ادبی و هنری نویسندگان یونان و روم باستان، قادر به انعکاس و انتقال اندیشه‌ها و مکنونات آن نیست و شیوه کلاسیکی که مبتنی بر تقلید از نویسندگان سنتی بود، مانع آزادی فکر و بیان شده است؛ به همین دلیل در پی آن شدند تا در کیفیت احساس و ذوق، سلیقه هنری و شکل تخیل خود تغییراتی ایجاد کنند (وان تیژم، ۱۳۷۰: ص ۵۷ و ۵۸).

«رمانتیسیم در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمینه ادب به برتری احساس و تخیل به جای تعقل تأکید دارد و منادی آزادی مطلق هنرمند از قیود شعری از جمله بندهای عروضی است» (داد، ۱۳۸۲: ص ۲۴۴).

اصول کلی مکتب رمانتیسیم به این شرح است:

۱. آزادی: رمانتیسیم «مکتب آزادی‌خواهی در هنر» است؛ یعنی ادبیات و هنر می‌تواند هر گوشه از زندگی چه زیبا و چه زشت، چه عالی و چه دانی را موضوع خود قرار دهد. از شعارهای پیروان این مکتب، آزادی اندیشه و آزادی بیان را می‌توان نام برد.
۲. فردیت: یکی از ویژگیهای برجسته آثار ادبی رمانتیک‌ها در قالب شعر یا رمان، استفاده مکرر از کلمات من و خود است؛ به بیان دیگر شعر یا نثر در قلمرو مکتب رمانتیسیم، وسیله‌ای برای بیان عشق و علاقه فردی، دردها و به طور کلی احساسات درونی شاعر یا نویسنده می‌شود.

۳. **هیجان و احساسات:** در این مکتب ابراز احساسات و بیان هیجانات شخصی، اصل است. به عقیده رمانتیک‌ها عقل و منطق در هنر جایی ندارد و این احساس است که بر روح بشر تسلط دارد» (سیدحسینی، ۱۳۶۶: ص ۱۸۰).

۴. **گریز، سیاحت و سفر:** «آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی زمانهای دیگر از ویژگی‌هایی است که در آثار رمانتیک‌ها دیده می‌شود. از نظر رمانتیک‌ها باید از ناکامی، دلتنگی و اندوه و سرخوردگی فرار کرد؛ فرار به رؤیا، به گذشته و فرار به سرزمینهای دور.

۵. **کشف و شهود:** رمانتیک‌ها در پی کشف چیزهای ناشناخته و موضوعات جدید هستند. کشف و شهود که با متافیزیک و جهان ماوراءالطبیعه ارتباط برقرار می‌کند از علایق ویژه رمانتیک‌ها است» (الیوت، ۱۳۷۵: ص ۲۷۵).

۶. **طبیعت‌گرایی:** «رمانتیک‌ها عاشق طبیعتند و طبیعت را مادر خویش می‌دانند. همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است. رمانتیک‌ها می‌گویند شعر تعبیری است از همدلی و مهربانی حواس با طبیعت، شعر زبان دلبردگی و جدایی است. خاستگاه شعر، تأثیرهای متقابل میان حواس و آثار طبیعی، و هدف آن شکیبایی و آرامش یافتن با طبیعت است» (الیافی، ۱۹۸۳: ص ۱۰۸).

نگاهی گذرا به زندگی بدر شاکر سیاب و قیصرامین پور گذری بر زندگی بدرشاکر سیاب

بدر شاکر سیاب در سال ۱۹۲۶م در یکی از روستاهای بصره از توابع عراق به نام «جیکور» نزدیک «ابوالخصیب» به دنیا آمد. دورتادور این روستا را نخلستانها و جویهای آب احاطه کرده است (بیضون، ۱۹۹۱: ص ۱۴). نام پدرش شاکر بن عبدالجبار بن مرزوق السیاب، کشاورز و مادر او «کریمه»، دختر عموی شاکر و خانه‌دار بود. بهترین دوران شاعر دوران کودکی او بود؛ زیرا سرگرم بازیهای کودکانه بود اما این خوشی دوامی نداشت؛ زیرا در سال ۱۹۳۲، زمانی که سیاب شش‌ساله بود، از نعمت مادر محروم شد (بلاطه، ۱۹۹۱: ص ۲۱).

وی بعد از سپری کردن دوران ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۹۴۲ به دانشسرای عالی بغداد راه یافت و در رشته زبان و ادبیات عربی مشغول تحصیل شد؛ بعد از دو سال این

رشته را رها کرد و به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۹۴۵ عضو حزب کمونیست عراق شد و به دلیل فعالیتهای سیاسی، پس از هشت سال از شغل خود برکنار شد (عوض، ۱۹۷۸: ص ۱۴). «در سال ۱۹۵۳ در پی شرکت در یک تظاهرات به ایران گریخت و از آنجا به کویت رفت و بعد از شش ماه به بغداد بازگشت و به کار روزنامه‌نگاری مشغول شد. در این سالها بود که با بهره‌گیری از محضر یکی از استادان دانشسرا به نام «زبدی» - که شخصی نسبتاً باسواد و محترم بود - با مفاهیم و صورتهای تازه‌ای از شعر غربی آشنایی عمیقتری یافت (بلاطه، ۱۹۹۱: ص ۴۴) و در جلساتی که با دوستان خود داشت، شعرهای «الیوت» و «سیتول» خوانده می‌شد و مورد بحث و مذاکره قرار می‌گرفت» (کدکنی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۹).

سیاب بعد از چندین بار ناکامی در عشق در سال ۱۹۵۵ با معلمی از ابوالخصیب به نام اقبال ازدواج کرد و در بغداد ساکن شد (فاخوری، ۱۳۸۰: ص ۶۳۷). بعد از چندی به عنوان معلم زبان انگلیسی در مدرسه «اعظمیه» مشغول به تدریس شد اما به دلایل سیاسی از کار برکنار شد و مدتی به عنوان مترجم در سفارت پاکستان کار کرد. در سال ۱۹۵۹ مقالاتی را با نام «کنت شیوعیاً» در روزنامه «الحریه» منتشر کرد و در آن بشدت کمونیست‌ها را به باد انتقاد گرفت (حاوی، ۱۹۸۳: ص ۹ و ۱۱).

سیاب پس از مدتی به بیماری سل و عارضه کم‌خونی مبتلا شد و برای درمان به بیروت، لندن و پاریس رفت اما پزشکان بیماری او را لاعلاج دانستند و عاقبت در سن ۳۸ سالگی در لندن به سال ۱۹۶۴ چشم از جهان فرو بست (عوض، ۱۹۷۸: ص ۱۶). از مهمترین آثار سیاب می‌توان به دفترهای شعر او اشاره کرد که عبارت است از: ازهار ذابله (گل‌های پژمرده) ۱۹۴۷، أساطیر (افسانه‌ها) ۱۹۵۰، المومس العمیاء (روسپی کور) ۱۹۵۴، الأسلحه و الأطفال (اسلحه و کودکان) ۱۹۵۵، حفار القبور (گورکن) ۱۹۶۰، أنشوده المطر (سروده باران) ۱۹۶۰، المعبد الغریق (معبد غرق شده) ۱۹۶۲، منزل الأفتان (خانه بردگان) ۱۹۶۳، شناسیل ابنه الجلیبی (پنجره‌های دختر چلبی) ۱۹۶۴ و اقبال (اقبال) ۱۹۶۵. افزون بر این سیاب را اشعار نشرنیافته بسیاری است که بخش مهمی از آنها به شیوه کهن است و پس از درگذشت وی در پنج دفتر منتشر شده است (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۳۹۹).



گذری بر زندگی قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در ۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ ه.ش در روستای «گتوند» دزفول به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در گتوند و دزفول به پایان برد (صدری و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۳۴۶). در همان زمان خواهرش را، که بیمار بود به دلیل نبود امکانات در روستا از دست داد و این در روحیه و عواطف شاعر تأثیر بسیاری گذاشت. «چندی بعد خانواده وی گتوند را ترک کردند و به دزفول آمدند. او که در همان سال زادگاهش را برای تحصیل در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران ترک کرده بود، پس از مدتی این رشته را به رشته علوم اجتماعی تغییر داد و باز هم این رشته را پس زد و در رشته مورد علاقه‌اش، ادبیات فارسی مشغول شد. در همان سالها در شکل‌گیری حلقه هنری و اندیشه اسلامی در حوزه هنری با افرادی چون سیدحسن حسینی، سلمان هراتی، محسن مخملباف و حسام‌الدین سراج و ... همکاری داشت. قیصر ضمن ادامه تحصیل دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۶ گرفت (امین‌پور، در دوره‌ها، ۱۳۸۶: ص ۱۲).

در سال ۱۳۶۷ سردبیر مجله «سروش نوجوان»، و از همین سال در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۸۲ نیز به عضویت فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد. اولین مجموعه شعرش را در سال ۱۳۶۳ با عنوان «تنفس صبح» منتشر و در همین سال دومین مجموعه شعریش را «در کوچه آفتاب» به بازار فرستاد (حکاک، ۱۳۸۷: ص ۲۹).

«آینه‌های ناگهان»، امین‌پور را به عنوان شاعری تأثیرگذار در طیف هنرمندان پیشرو انقلاب تثبیت می‌کند و از آن سو نیز موجودیت شاعری از نسل جدید به رسمیت شناخته می‌شود. در اواسط دهه هفتاد دومین دفتر از اشعار امین‌پور با عنوان «آینه‌های ناگهان ۲» منتشر شد که حاوی اشعاری است که از شعرهای موفق نسل انقلاب به شمار می‌آید» (امین‌پور، آینه‌های ناگهان، ۱۳۷۲: ص ۷).

«گل‌ها همه آفتابگردانند»، جدیدترین کتاب امین‌پور نیز در سال ۱۳۸۱ منتشر شد. دکتر قیصر امین‌پور در سال ۱۳۸۲ به رغم تمایزش از سردبیری سروش نوجوان استعفا کرد، و ضمن عضویت در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و الزهرا تدریس می‌کرد و به کارهای پژوهشی مشغول بود. قیصر پس از تصادفی، سالها گرفتار بیماری کلیه بود و بیماری قلبی هم مزید بر علت شد. عاقبت در یکی از بیمارستانهای

تهران در سال ۱۳۸۶ چشم از جهان فرو بست. از مهمترین آثار این شاعر گرانقدر می-توان، آینه‌های ناگهان، تنفس صبح، بی‌بال پریدن، گزیده اشعار، گل‌ها همه آفتابگردانند و ... را نام برد» (امین پور، رسم شقایق، ۱۳۸۶: ص ۱۶).

در ادامه بر شمردن اصول مکتب رمانتیسیم و معرفی دو شاعر به بررسی چند عامل رمانتیسیم، همچون سفر جغرافیایی (وطن‌گرایی)، غم غربت، طبیعت‌گرایی، آزادی و عشق در آثار دو شاعر معاصر عرب زبان و فارسی زبان بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور می‌پردازیم.

۱. طبیعت‌گرایی در آثار سیاب و قیصر امین پور

نگاه به طبیعت در مکتب رمانتیسیم و تعامل با آن، تفاوت اساسی با مکتب کلاسیک دارد. در ادبیات کلاسیک طبیعت به مثابه دستگاهی است که خداوند آن را طراحی می‌کند و انسان به عنوان حاکم بر آن در نظر گرفته می‌شود در حالی که در مکتب رمانتیسیم این نگاه تغییر می‌کند و ادیبان رمانتیک به طبیعت به عنوان موجودی زنده می‌نگرند که اجزای آن هماهنگی دارد و موجودیت مستقلی ندارند (فورست، ۱۳۷۵: ص ۵۲).

الف) طبیعت‌گرایی در آثار سیاب

سیاب بی‌شک یکی از شاعران طبیعت‌گراست. او در دامان سرسبز طبیعت جیکور متولد شده و پرورش یافته و در میان نخلستانها و باغهای جیکور بهترین دوران زندگی خویش را سپری کرده است. قصیده «تحیه القرية» (درود روستا) (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۴۱۹) که تقریباً همزمان با ورود سیاب به بغداد سروده شده از علاقه و شور و اشتیاق سیاب به طبیعت حکایت دارد. او در این قصیده چشم‌اندازهای زیبا و دلکش جیکور را به تصویر می‌کشد و آنجا را مکانی آرامش‌بخش می‌داند (بلاطه، ۱۹۹۱: ص ۳۳)؛ از سرسبزی و لطافت باغها و پاکی آسمان جیکور به وجد می‌آید و نغماتی زیبا بر لبانش جاری می‌شود.

سیاب در قصیده «أنشودة المطر» (سروده باران) و البته با به کار گرفتن اسلوبی رمزگونه و دیدگاهی واقع‌بینانه، چنین توصیفی از باران عرضه می‌کند:

أَتَعْلَمِينَ أَيَّ حُزْنٍ يَبْعَثُ الْمَطَرُ؟ / وَ كَيْفَ تَنْشِجُ الْمَزَارِيبُ إِذَا انْهَمَرَتْ؟ / وَ كَيْفَ يَشْعُرُ
الْوَحِيدُ فِيهِ بِالضِّيَاعِ / بَلَا انْتِهَاءٍ - كَالدَّمِ الْمُرَاقِ، كَالجِيَاعِ، / كَالْحُبِّ، كَالْأَطْفَالِ، كَالْمُوتَى -
هُوَ الْمَطَرُ! (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۲۵۴).

هیچ می‌دانی باران چه حزن و اندوهی برمی‌انگیزد؟ / و چه هق هقی از ناودان‌ها بر
می‌خیزد؟ / و آدم تنها چقدر احساس بی‌پناهی می‌کند؟ / بی‌پایان است - چون خون
ریخته، چون گرسنگان / چون عشق، چون کودکان، چون مردگان، - باران.

اگرچه بارش باران به خودی خود نباید احساس حزن و اندوهی در پی داشته باشد
در اینجا بارش باران، یادآور خاطرات و درد و اندوه‌های دوران کودکی سیاب است؛
زمانی که در کودکی مادرش و پس از مدتی مادر بزرگش را از دست می‌دهد. این حزن
کودکی، غالباً تا بزرگسالی ادامه می‌یابد بویژه زمانی که سختیهای زندگی و جستجو
برای لقمه‌ای نان نیز گریبانگیر شخص باشد. شاعر خود از همه جا وامانده و بی‌کس و
تنهاست. ناودانها نیز هق‌هق‌کنان خاموش مویه می‌کنند؛ گویی طبیعت نیز در این حزن
با شاعر هم‌نوا گشته است. ایلیا حاوی در توصیف این حالت شاعر می‌گوید: «غربت و
تنهایی وجود شاعر را فرا گرفته و در چنین زمانی که شاعر غرق در اندوه و حزن است،
ریزش باران شروع شده است؛ در چنین حالتی که باران بشدت می‌بارد، شاعر گویی
خود را در پشت میله‌های زندان فرض کرده و گرفتار می‌بیند (حاوی، ۱۹۸۰: ص ۹۷)؛ از
این رو شاید بتوان گفت که تجربه احساسی شاعر، در چنین فضایی صورت گرفته
است.^۱

شاعر که برای درمان درد خود رهسپار لندن شده است، در قصیده «سفر ایوب»، از
دل‌تنگی خود نسبت به میهن و طبیعت آن، این گونه پرده بر می‌دارد:

و لولا الداء ما فارقت داری، یا سنا داری / و أحلى مالقيتُ على خريف العمر من ثمر /
هنا لا طير في الأغصان تشدو غير أطيّار / من الفولاذ تهرأ أو تُحمجمُ دونما خوفٍ من
المطر / و لا أزهار إلا خلفَ واجهةٍ زجاجيةٍ / يراحُ إلى المقابر و السجون بهنَّ و
المستشفيات / ألا: ألا يا بائع الزهر / أعندك زهرة حية؟ / أعندك زهرة ممّا يربُّ
القلب من حبٍّ و أهواء؟ (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۱۵۲).

اگر درد نمی بود، خانه و کاشانه‌ام را رها نمی‌کردم، چه شکوه و روشنایی داشت خانه
من! / و در آنجا میوه پایان عمرم را شیرین می‌یافتم / اما اینجا پرنده‌ای بر شاخسار
نیست تا نغمه‌سرایایی کند، جز پرنده‌گانی / پولادین که بی‌باک از باران می‌غرند و شیشه
می‌کشند / اینجا گل و شکوفه ای نیست، جز گل‌هایی در پس ویتترین شیشه‌ای / که به

گورستانها و زندانها و بیمارستانها برده می‌شوند/هان! ای گل فروش/آیا گل زنده(تازه)ای داری؟ / آیا گلی داری که در قلب، عشق و محبتی برانگیزاند؟

ب) طبیعت‌گرایی در آثار قیصر امین پور

شاعر فارسی‌زبان، قیصر نیز از طبیعت سروده‌های بسیاری دارد و با هنرمندی تام توانسته است آنها را به تصویر بکشد. وی در قطعه «باران»، باران را با حسرت بیان می‌کند:

باران، باران و دوباره باران / باران، باران، ستاره باران، باران / ای کاش تمام شهرها حرف تو بود / باران، باران، بهار، باران، باران (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۲۲).

قیصر در جای دیگر از باران چنین می‌سراید:

دیشب باران قرار با پنجره داشت / روبوسی آبدار با پنجره داشت / یک روز به گوش پنجره پیچ کرد/ چک چک، چک چک، چکار با پنجره داشت (همان: ۲۳).

با مطالعه اشعار هر دو شاعر در می‌یابیم که سیاب و قیصر شاعران طبیعت‌گرا هستند؛ زیرا طبیعت در آثار هر دو زنده و پویاست و در جان‌بخشی به آنان توانسته است، تصویری زیبا از طبیعت به نمایش بگذارد.

۲. نوستالژی خاطرات سیاب و قیصر

نوستالژی^۲ احساسی طبیعی و عمومی و حتی غریزی در میان نژادهای گوناگون و به طور کلی تمام انسانهاست و از دوران گذشته نشأت می‌گیرد. از مهمترین عوامل این احساس می‌توان مهاجرت، از دست دادن عزیزان، خاطرات دوران کودکی و غیره را نام برد (شاملو، ۱۳۷۵: ص ۱۷).

نوستالژی با خاطره رابطه تنگاتنگی دارد؛ به عبارت دیگر یکی از ستونهای نوستالژی یادآوری خاطرات است. البته یادآوری خاطره، ما را با تاریخ و گذشته پیوند می‌دهد. داشتن خاطره برای هر فرد طبیعی است، اما وقتی یادآوری خاطرات برای شخص به حدی برسد که او را نسبت به واقعیت موجود بدبین کند، شخص احساس نوستالژی و دلتنگی می‌کند. خاطره یادآوری گذشته است و می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد (انوشه، ۱۳۸۱: ص ۱۴۳).

انسان در این دوران تمدن و صنعت و زندگی شهرنشینی و از دست دادن پاکی و روی آوردن به گناه و فریب و مکر و ... همچنان به ذات و فطرت اصلی خویش برمی-



گردد و در آرزوی پاک‌ی و بی‌آلایشی دوران کودکی خویش است. غم‌گرایی (نوستالژیک) در سبک شعر رمانتیک با ناراحتی و احساس آزار همراه نیست؛ بلکه بر عکس غمی دلنشین و جذاب، شعر شاعران رمانتیک را در بر گرفته است (شمیسا، ۱۳۷۴: ص ۱۲۵).

الف) خاطرات کودکی و جوانی در آثار سیاب

سیاب خاطرات کودکی خود را با همان دنیای ساده به تصویر می‌کشد هنگامی که پدر بعد از تلاش و کار روزمره شامگاهان به خانه برمی‌گردد و کودک چشم‌انتظار پدرش در کنار در ایستاده است:

و کم من أب آیب فی المساء / الی الدار من سعیه الباکر / و قد زمّ من ناظریه العناء /
و غشاهما بالدمّ الخائر / تلقّاه، فی الباب، طفلٌ شروءٌ / یکرکرُ بالضحکة الصافیة (سیاب،
۲۰۰۰م: ص ۲۹۷).

پدر شامگاهان بعد از تلاشی که از صبح داشته است به خانه بر می‌گردد در حالی که چشمانش بشدت خسته و خون آن را پوشانده است و کودک بازیگوش در حالی که خنده‌های ملیح بر لب دارد، پدرش را بر در خانه می‌بیند.

شاعر رمانتیسیم عرب در جای دیگر دوران جوانی را یادآور می‌شود و آن را به بهار تشبیه می‌کند:

إنَّ الشَّبابَ هو الرَّبِيعُ، فأینَ أنتَ من الرَّبِيعِ ضاع الهوى من اصغریکة، فقلتُ للاحلامِ
ضیعی (همان: ۵۱۵)

همانا جوانی بسان بهار است؛ ولی ای جوانی! تو کجا و بهار کجا؟ عشق کسی که در زبان و دل توست از بین رفت؛ پس به رویاها گفتم که از بین بروید.

سیاب مانند هر شاعر نوستالژیک دیگر در پی این است تا تصویر زیبایی که از دوران کودکی و جوانی خود داشته است به نمایش بگذارد. دردها و غصه‌ها آن چنان بر سیاب هجوم آورده است که او هیچ‌گونه تسلی و آرامشی جز یاد دوران کودکی و جوانی نمی‌بیند؛ هرچند از دیگر سو، یادآوری این خاطرات برای شاعر جانکاه نیز هست؛ زیرا این خاطرات در فضای سرسبز و آرام‌بخش جیکور اتفاق افتاده و حال اینکه شاعر اکنون اسیر غوغا و هیاهو و غربت شهر گشته است؛ گویی از بهشت برین به زمین رانده گشته است.

ب) خاطرات کودکی در آثار قیصر امین پور

کودکی دورانی است که هر کس با حسرت از آن یاد می‌کند و قیصر می‌گوید: کودکی شاعرانه‌ترین ایام زندگی است و از این رو با شاعر پیوند بسیار نزدیکی دارد (امین پور، شعر و کودکی، ۱۳۸۵: ص ۸۳). دوران کودکی برای شاعر بسان عشقی است که گم شده است:

در خوابهای کودکی / هر شب طنین سوت‌های قطار / از ایستگاه می‌گذرد / انگار هیچ
گاه به پایان نمی‌رسد / انگار پیش از هزار پنجره دارد / و در تمام پنجره‌هایش / تنها
تویی که دست تکان می‌دهی (همان: ۳۳)

یادآوری دوران کودکی برای شاعر معاصر - قیصر - سرشار از غم و اندوه است:
سوزد به دل دوباره غم کودکانه‌ای / آهسته می‌تراود غم ترانه‌ای / باران شبیه کودکی‌ام
پشت شیشه‌هاست / دارم هوای گریه، خدایا، بهانه‌ای (همان، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۸۷).

قیصر از جمله شاعرانی است که بسامد شعر غم‌گرا در مجموعه‌های وی موجب تشکیک منتقدان به وجود نشانه‌های برخی از مختصات یأس فلسفی در تعدادی از آثار او شده است. از مهمترین ویژگیهای رمانتیک قیصر احساس‌گرایی، وجود غم و اندوه در اشعار وی است.

سیاب و قیصر دو شاعر رمانتیک هستند که احساس‌گرایی و غم در اشعار آنها موج می‌زند و بخوبی توانسته‌اند این احساس را منتقل کنند. بازتاب غم از دست دادن مادر و خاطراتی که سیاب در کودکی با آن روبه‌رو بود در لابه‌لای دیوان او کاملاً آشکار است. شاعر فارسی‌زبان نیز بسان همتای خویش توانسته است غم نداشتن پدر و دوران کودکی خود را به تصویر بکشد. قیصر از مرگ خواهرش، که باعث ترک روستا و رفتن به تهران شد، اندوهگین است و حتی شاعر از مرگ باغ نیز سخن گفته و این بیانگر این است که قیصر، شاعری نوستالژیک است.

مرگ در آثار سیاب

مرگ یکی از بنمایه‌های فکری هر فردی است و شاعران و نویسندگان بسیاری به این مسئله پرداخته‌اند. مرگ مادر و عوامل مختلف روحی و جسمی سیاب سبب شد تصویری از مرگ همیشه در نظر او مجسم شود. این مرگ - که تقریباً زمینه عام شعرهای سیاب بود - خود نوعی تولدی دوباره یا به عبارتی، پیش‌شرط زندگی دوباره

بود و نوعی فدا شدن در راه زندگی بزرگتر؛ اما در سالهای پایانی عمر او یعنی از ۱۹۶۰ به بعد که بیماری او شدت یافت، مرگ نیز به تبع آن، شخصی و خصوصی شد و مرگ‌اندیشی و یأس به حوزه واژگان او نفوذ کرد (شفیعی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۴؛ به نقل از عزت، ۱۹۷۶: ص ۶ تا ۳۴). قصیده «لأنتی غریب» (زیرا که من غریبم) (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۱۲۵)، یکی از قصایدی است که در این دوران سروده شده است و در آن شاعر مرگ را پیش روی خود می‌بیند. اما به طور کلی می‌توان گفت: جدال میان امید و نومیدی و رنج و شادی و توانایی و ضعف، درونمایه شعر سیاب را تشکیل می‌دهد و این به گفته ادونیس شهادتی است بر زندگی روشن (همان: ۱۷۵).

سیاب در دوران کودکی مادرش را از دست داد و از وجود مهر و محبت او محروم ماند و از این رو، شعرش نمایانگر عشق و محبت اوست. سیاب از دوران کودکی و مادرش یاد می‌کند:

هی روحُ أمی هزَّها الحُبُّ العمیقُ / حبُّ الأمومةُ فهی تبکی / آه یا ولدی البعید عن
الدیار / ویلاه! کیف تعودُ وحدک لا دلیل و لا رفیق (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۳۲۱).

آن روح مادرم است که عشق او به من، آن را به تکاپو وا داشته است / عشق مادرانه او را وادار کرده است تا گریان بگویند: / ای فرزند غریبم، / چگونه بدون راهنما و دوست به وطن باز می‌گردی؟

در «انشوده المطر» از غم از دست دادن مادرش در کودکی یاد می‌کند که تلخترین خاطره در ذهن اوست که هیچ‌گاه پاک نخواهد شد:

تثاءب المساء و الغیوم ما تزال / تسح ما تسح من دموعها التقال / کان طفلاً بات یهذی
قبل أن یتام / بأن أمه - التي أفاق منذ عام / فلم یجدها، ثم حین لج فی السؤال / قالوا له:
بعد غدٍ تعودُ / - لا بد أن تعود و إن تهامس الرفاق أنها هناک / فی جانب التل تنام نومة
اللخود / تسف من ترابها و تشرب المطر (همان: ۲۵۴).

شب خمیازه کشید و ابرها هنوز پیاپی اشک می‌ریزند / گویی کودکی پیش از خواب،
هدیان گونه می‌گفت که مادرش - که یک سال پیش، روزی چشم گشود و مادر را
ندید / و چون پافشاری کرد / گفتند / پس فردا می‌آید / - حتما خواهد آمد، هرچند
دوستانش، نجواکنان با یکدیگر گفتند مادرش آنجاست / کنار آن ماهور (تپه) در میان
گور خفته است / خاک می‌خورد و باران می‌نوشد.

شاعر معاصر عرب‌زبان این چنین با غم و اندوه از دوران کودکی خود یاد می‌کند که سراسر پاکی و صداقت است و از اندوهی که بر دلش سنگینی می‌کند نیز رنج می‌کشد.

مرگ در آثار قیصر

قیصر خاطره مبهم و مه‌آلودی را که از دوران کودکی از پدرش دارد، چنین بیان می‌کند: با گریه‌هایش کودکی در حیاط خانه بازی می‌کند / مادر کنار چرخ خیاطی / آرام رفته در نخ سوزن / عطر بخار چای تازه در خانه می‌پیچد / صدای در / شاید پدر... (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۱۶). قیصر نیز دوران کودکی خود را با غم از دست دادن خواهرش یاد می‌کند که بعد از مرگ او به ترک زادگاه مجبور شدند و از سادگی آنجا و نگرانی کودکانه خود می‌گوید:

از همان روز پدرم گفت باید به شهر برویم / مادرم بقچه‌هایش را می‌بست / من دلم می‌خواست گوشه‌ای از آسمان صاف روستا را بردارم / در بقچه مادرم بگذارم تا هر وقت دلم تنگ شد به آن نگاه کنم / من دلم می‌خواست صدای خروسها را لای لحاف کوچک بیچم / تا هر روز صبح با آن بیدار شوم (امین پور، بی‌بال پریدن، ۱۳۷۸: ص ۴۵).

۱۳۹



۳. وطن‌گرایی در آثار سیاب و قیصر امین پور

یکی از مواردی که دو شاعر به آن پرداخته‌اند، وطن‌دوستی و اشتیاق به وطن است. سیاب و قیصر بخوبی توانسته‌اند، زادگاه خویش را توصیف کنند.

الف) وطن‌گرایی در آثار سیاب

سیاب شاعری از روستای «جیکور» است. اصل آن واژه فارسی «جوی کور» و در روزگاران قدیم تحت حاکمیت حکومت‌های ایرانی بوده است. سیاب، پس از گذراندن دوران کودکی در این روستا ° که سخن از آن در جای‌جای دیوان شاعر می‌درخشد و از بسامدی چشمگیر برخوردار است- برای ادامه تحصیل به بغداد کوچ می‌کند ولی هیچ حس مثبتی نسبت به آن ندارد و نوعی شهرگزیزی درونی او را فرا می‌گیرد. بغداد در نقطه مقابل «جیکور» قرار گرفته است و شاعر با عشق آمیخته با اندوه از آن یاد می‌کند:

آه! جیکور، جیکور/ ما لِلضُّحَى كالأصیل/ یسحبُ النور مثل الجُنَّاح الكلیل/ ما لأکواخِک المقفِراتِ الكئِیبة / یحبسُ الظلَّ فیها نحبِبة / أین أین الصَّبایا یوسوسنَ بینَ النَّخیل/ عن هوی کالتماعِ النَّجومِ الغَریبة ؟ (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۱۳۰)

افسوس! جیکور، جیکور/ چاشتگاهت را چه شده که مانند شامگاه/ نور را مانند بال ضعیفی به عقب می‌کشاند / کلبه‌های بی‌آب و نان و اندوهگین تو را چه شده / که سایه، شیون و غم خود را در آن نگاه می‌دارد/ کجا هستند، کجا هستند، دخترانی که میان نخلستان نجوا می‌کردند/ از عشق، مانند درخشیدن ستارگان غریب.

بغداد که منفور شاعر است، وقت خشم و نفرت او، همه امکانات رفاهی شهری آباد را از دست می‌دهد و راه‌های ارتباطی آن چه بسا که بسیار یاری‌رساننده انسان باشد به ریسمانهایی بدل می‌شوند که پیکر آدمی را می‌فشارند و او را به تنگ می‌آورند:

و تلتفُ حولی دروبُ المدینة / حبلاً من الطین یمضغن قلبی / و یعطین عن جمره فیه طینة/ حبلاً من النار یجلدن عری الحُقُول الحزینة / و یحرقن جیکور فی قاعِ روحی / و یزرعن فیها رماة الضغینة (همان: ۲۲۵)

راه‌های شهرگرد من می‌پیچند/ بسان ریسمانهایی از گل و قلب مرا می‌جونند/ و از شعله آتشی (اخگری) که در آن است، گل را/ ریسمانهایی از آتش می‌بخشند که برهنگی دشتهای اندوهگین را تازیانه می‌زنند/ و جیکور را در سویدای جانم می‌سوزانند/ و خاکسترکینه و نفرت را در آن می‌کارند.

شاعر از تمدن و شهر احساس انزجار دارد و همیشه دنبال نقطه ضعف شهر می‌گردد؛ زیرا بغداد در برابر مدینه فاضله سیاب که همان جیکور است، قد علم کرده است.

ب) وطن‌گرایی در آثار قیصر امین پور
قیصر نیز زاده و پرورش‌یافته روستای گتوند اهواز است؛ بهترین دوران کودکی و نوجوانی را در آنجا سپری کرد. او هنگام مهاجرت و انتقال به تهران دوست دارد روستای خود را با خود ببرد و این چنین می‌سراید:

دلَم می خواست همه روستا را توی خورجین پدرم بگذارم و به شهر ببرم/ من دوست داشتم مثل کوچه‌های روستا باشم / مثل کوچه‌ها در روستا بییچم، دور بزنم و محله‌ها

را به هم پیوند بدهم / دوست داشتم مثل کوچه‌ها باشم و در روستا بمانم / مثل جاده
که از روستا بیرون می‌رفت (امین پور، بی‌بال پریدن، ۱۳۷۸: ص ۳۴).
شاعر فارسی‌زبان امکانات رفاهی و پیشرفت در شهر را تقبیح می‌کند و همان
سادگی روستا را می‌پسندد:

من دلم می‌خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تبار بیابان بکشم / دستمالم را اما
افسوس / نان ماشینی / در تصرف دارد / آبروی ده ما را بردند (همان، تنفس صبح، ۱۳۶۷:
ص ۱۳۷).

او دل خویش را همچنان روستایی می‌داند:

از من گذشت / اما دلم هنوز / با لهجه محلی خود حرف می‌زند / لهجه محلی مردم /
با لهجه فصیح گل و گندم (امین پور، تنفس صبح، ۱۳۶۷ همان: ۱۲۵).
قیصر تصویرهای ساده روستا را هیچ وقت فراموش نمی‌کند:

خوب یادم هست من از دیرباز / باز جان می‌گیرد آن تصویر، باز / گرگ و میش صبح
پیش از هر طلوع / قامت مرد دروگر در رکوع / خوشه‌ها را با نگاهش می‌شمرد /
داس را در دست گرمش می‌فشرد / قطره قطره خستگی را می‌چشید / دست بر پیشانی
دل می‌کشید (همان، گزیده اشعار، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴).

۱۴۱



هر دو شاعر نسبت به روستا و وطن خود تعصب دارند و آن را مدینه فاضله می -
شمارند و در برابر آن از زندگی شهری و شهرنشینی انتقاد می‌کنند و در پی نقطه ضعف
آن هستند.

۴. عشق در آثار سیاب و قیصر امین پور
شاعران بسیاری هر کدام به مقتضای حالات و احساسات خویش، عشق را در آثارشان
به نمایش می‌گذارند و برای درمان آلام خویش به آن پناه می‌برند. سیاب شاعری
عاشق‌پیشه بود. او شیفته دختری به نام «وفیقه» بود اما عاقبت وفیقه ازدواج کرد و این
حادثه در روحیه و اشعار وی تأثیر زیادی داشت. او برای چندین بار در عشق خود
شکست خورد (برای اطلاع بیشتر رک: بلاطه، ۱۹۹۱: ص ۳۵ تا ۴۵).

الف) عشق در آثار سیاب

سیاب بعد از ترک «جیکور» و زندگی در شهر بغداد چند تجربه تلخ عاشقانه داشت؛

هرچند سیاب با آنها ارتباطی نداشت در تخیل خود به آنها عشق می‌ورزید.
 أتدرینَ عن ربّة الراعیات / عن الرّیف؟ عما یكون الجوی؟ / هو الرّیف؟ هل تبصرینَ
 النّخیل / و هذی أغانیه هل تسمّین؟ / أشاهدتَ یا غابَ رقصَ الضیاء / علی قطرةٍ بینَ
 أهدها (سیاب، ۱۹۷۱: ص ۲۷)

آیا از دختر چوپان چیزی می‌دانی؟ / از روستا؟ از آنچه سوز عشق است، چیزی
 می‌دانی؟ آن روستاست، آیا نخلستان را می‌بینی؟ / و این نغمه های آن است، آیا
 می‌شنوی؟ ای جنگل! آیا رقص نور را بر قطره اشک میان پلک‌هایش دیده‌ای؟
 عشق در اشعار شاعران رمانتیک نوعی عشق افلاطونی است که شاعر را تنها با یاد
 و خاطره معشوق زنده می‌دارد و در این عشق از وصال خبری نیست. این امر باعث
 می‌شود تا شاعر رمانتیک احساس غم و اندوه به خود راه دهد.

ب) عشق در آثار قیصر امین‌پور

قیصر در محیطی گرم و با صفا و صمیمیت و سرشار از عشق و محبت به دنیا آمد. از
 مهمترین دلایل روی آوری جوانان به اشعار وی، صمیمیت نهفته در عشق اوست. برای
 قیصر زندگی بدون عشق به دشواری جان‌کندن است:
 زندگی بی‌عشق اگر باشد، همان جان‌کندن است

دم‌به‌دم جان‌کندن ای دل کار دشواریست؛ نیست؟
 (امین‌پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۴۵)

او دوباره می‌گوید:

به جز عشق دردی که درمان ندارد / به جز عشق راه علاجی ندیدم
 (همان، گل‌ها همه آفتابگرداند، ۱۳۸۶: ص ۵۶)

قیصر راز عشق را چنین می‌داند:

دست عشق از دامن دل دور باد / می‌توان آیا به دل دستور داد؟ / می‌توان آیا به دریا
 حکم کرد/ که دلت را یادی از ساحل مباد؟ / موج را آیا می‌توان فرمود ایست؟ / باد
 را فرمود باید ایستاد؟ / موج را آیا توان فرمود: ایست / آنکه دستور زبان عشق را /
 بی‌گزاره در نهاد ما نهاد / خوب می‌دانست تیغ تیز را / در کف مستی نمی‌بایست داد
 (همان، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۳۵).

اما گاهی یأس و ناامیدی از دنیا باعث می‌شود به عشق کاری نداشته باشد:

نه! کاری به کار عشق ندارم... / من هیچ چیز و هیچ کس را در این زمانه دوست ندارم
/ انگار این روزگار چشم ندارد من و تو را / یک روز خوشحال و بی‌ملال ببیند (همان،
دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ص ۵۹).

دیدگاه هر دو شاعر به عشق با غم و اندوه همراه است؛ زیرا سیاب در این راه شکست خورد و یاد و خاطره محبوب او را آزار می‌دهد و اشعار قیصر نیز خالی از غم عشق نیست او به اوج یأس خود می‌رسد و تصمیم می‌گیرد که دیگر به عشق کاری نداشته باشد.

۵. آزادی در آثار سیاب و قیصر امین پور

آزادی یکی از مهمترین موهبت‌های زندگی بشری، و همچنین از موضوعاتی است که با زندگی فرهنگی و اجتماعی بشر پیوند خورده است. آزادی مانند دین و عدالت و ... برای انسانها امر مقدسی است و گذشت زمان و تحولات از ارزش آن نکاسته است. تحقق آن با فراهم شدن زمینه‌های رشد و بالندگی و شکوفایی استعدادهای خدادادی است.

الف) آزادی در آثار سیاب

آزادی یکی از عواملی است که بیشتر شاعران معاصر به آن پرداخته‌اند و کمتر شاعری یافت می‌شود که به این مقوله در اشعارش اشاره نکرده باشد؛ حال این بیان آزادی می‌تواند به نوعی تعریف و بیان مفهوم آزادی، آزادی سیاسی، اجتماعی و ... باشد. سیاب از شاعران توانمند سیاست و اجتماع است و بخوبی توانسته از آزادی سیاسی بگوید:

الرّدى و الهوانُ خطّ الادلاءِ و كلُّ الحیةِ للاحرارِ
(سیاب، ۲۰۰۰م: ص ۵۰۳)

هلاکت و پستی ویژگی فرومایگان است و همه زندگی برای آزادی خواهان است.

و الحرُّ أبعدُ غايةً من أن یرى فى الدّمع تخفیفاً من البرحاءِ
فالحکم للدم و السلاح الممتضى و الحربُ لا للدمعة الخرساءِ
و النصر للشعب الذى لا یشنى عن عزمه ، و الصولة النکراءِ

(همان: ۴۹۸)

هدف آزادمرد والاتر از آن است که چاره سختیها را در اشک ببیند.
 پس حکم (پیروزی) از آن خون است و سلاح از نیام برآمده است و جنگ، نه از آن
 اشک گنگ.

و پیروزی از آن ملتی است که جوانمردانه پایداری می‌ورزد و نیز از آن یورها و حمله-
 های سخت است.

سیاب آزادی را برای انسانها شایسته می‌داند و در قصیده «فی یوم فلسطین» از
 ایستادگی آزادی‌خواهان در برابر ظالمان می‌گوید:

و الیوم یصرخُ کلَّ حَرِّ غَاضِبٍ فی وَجِهِ کَلِّ مَهْوَسِ الْأَرَاءِ
 (همان: ۴۹۸)

امروز هر آزاده خشمگین در برابر خودکامگان و ظالمان فریاد می‌زند.
 سیاب آزادی را به صورت آزادی سیاسی بیان کرده و این بیان به دلیل خفقان اوضاع
 سیاسی و اجتماعی شاعر است که به ناچار آن را از خلال وقایع سیاسی به تصویر
 کشیده است.

ب) آزادی در آثار قیصر امین‌پور

آزادی در سروده‌های قیصر در مفهوم اولیه نجات از اسارت دشمن خارجی و
 جغرافیایی و سپس در مفهوم رهایی از وابستگیها و خواسته‌های نفسانی و در نهایت
 مفهوم اجتماعی آن، رهایی در معنی عام و مطلق دیده می‌شود؛ در قطعه «دریای آزادی»
 چنین می‌سراید:

دم به دم در پهنه دریا / موج شکل تازه می‌گیرد / یک نفر با خط‌کشی کوچک / موج را
 اندازه می‌گیرد / از پی هر موج سرگردان / روز و شب بیهوده می‌تازد / تا بریزد موج
 دریا را / در قفس‌هایی که می‌سازد / در قفس دریا نمی‌گنجد / زان که کار موج
 پروازی است / ما همان دریای آزادیم / دشمن ما آن قفس‌ساز است (امین‌پور، مثل
 چشمه مثل رود، ۱۳۸۵: ص ۱۴).

قیصر به آزادی به زبان نمادین توجه دارد و تصویری از جامعه آن روزگار، حسرتها
 و آرمانهای شاعر را در خود دارد.

روزی که... / پروانه خشک شد آن روز / از لا به لای برگ‌های کتاب شعرم / پرواز
 می‌کند (همان، آینه‌های ناگهان، ۱۳۷۲: ص ۹۰).

شاعر آزادی را برای طبیعت نیز آرزو می‌کند. آرزوی شاعر برای گل این است تا هر جا که دلش می‌خواهد بشکفتد و هر رنگی که می‌پسندد، همان باشد. دل‌های انسان هر جا که دوست دارند، شکسته شوند.

روزی که سبز، زرد نباشد / گل‌ها اجازه داشته باشند / هر جا که دوست داشته باشند / بشکفتند / دل‌ها اجازه داشته باشند / هر جا نیاز داشته باشند / بشکنند (همان: ۱۳).

در قطعه «الهی» از آزادی نفس و رهیدن از بند تعلقات سخن می‌گوید:
الهی به زیبایی سادگی / به والایی اوج افتادگی / رهایم مکن جز به بند غمت / اسپرم
مکن جز به آزادگی (همان: ۸۶).

او در قطعه «آرمانی ۱» به آزادی پرنده اشاره دارد:

پرنده / نشسته روی دیوار / گرفته یک قفس به منقار (همان، گل‌ها همه آفتابگرداند:
۱۳۸۶: ص ۶۵).

سیاب آزادی سیاسی را به اقتضای اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانش به تصویر کشیده است اما در نگاه قیصر امین‌پور این شاعر توانمند آزادی‌طلب، آزادی مصداق فردی، اجتماعی و فکری دارد. او آزادی را برای همه در نظر دارد و آزادی را رهایی از دنیا و متعلقات آن و ... می‌داند. آزادی در نگاه قیصر کاملتر و زیباتر نمود پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری

در بررسی و تطبیق اشعار و سروده‌های این دو شاعر ادبیات معاصر عرب و پارسی می‌توان به مواردی از اشتراکات و تفاوت‌های آنها اشاره کرد:

اشتراکات

۱. هر دو شاعر طبیعت‌گرا هستند. سیاب به زیبایی از پدیده‌های طبیعت چون کوه، باغ و باران سخن می‌گوید و با چنان ظرافتی توصیف می‌کند که بحق، طبیعت را زنده و پویا به تصویر می‌کشد و در مقابل قیصر نیز بسان همتای خویش در اشعارش به زیباییهای طبیعت چون گل، باران و غیره پرداخته است.



۲. هر دو شاعر در روستا متولد شده، و پرورش یافته‌اند و به دلیل پاره‌ای مشکلات زندگی، روستا را رها کرده‌اند و راهی سفر اجباری به شهر می‌شوند. اما زادگاه و خاطرات خوش آن فراموش نشده و در اشعارشان به تصویر کشیده شده است.
۳. شهرگریزی و اشتیاق بازگشت به روستا در اشعار هر دو شاعر نمایان است. سیاب علاقه خود به «جیکور» عراق و احساس انزجار از زندگی در شهر را در سروده-هایش تکرار می‌کند و جیکور را آرمانشهر خود می‌داند. قیصر هم مانند سیاب در آرزوی بازگشت به زادگاه است و در بیشتر اشعارش به آن اشاره می‌کند و از قیل و قال و زندگی شهری خسته و ملول است.
۴. از مشترکات دیگر این دو شاعر غم و اندوه را می‌توان نام برد. حسرت، آه و رنج و ... از ویژگی‌های مکتب رمانتیسم است؛ زیرا آنها بر احساسات و عواطف تکیه دارند. سیاب در غم از دست دادن مادر و مادر بزرگش و قیصر در فقدان خواهرش سوگوار، و این شکست‌های عاطفی در اشعار این دو شاعر کاملاً نمود پیدا کرده و شعر آنها تصویرگر درد و رنج است. بنابراین، سیاب و قیصر دو شاعر توانمند نوستالژیک هستند.
۵. هر دو شاعر تصویری زیبا از عشق عرضه می‌کنند؛ با ذکر اینکه سیاب چندین بار در عشقش شکست خورده است.
۶. هر دو به نوعی از شاعران جبهه و جنگ هستند. قیصر امین‌پور با حضور در صحنه‌های جنگ، شاعر مقاومت خوانده می‌شود و سیاب به نوعی با شرکت در تظاهرات و جنگ‌های داخلی عراق شاعر جنگ و سیاست خوانده می‌شود.

تفاوتها

قیصر بخوبی توانسته است آزادی را برای انسان و حیوان و طبیعت به تصویر بکشد. آزادی در نگاه او رهیدن از قید و بند تعلقات دنیوی است و آن را حق همه می‌داند. سیاب نیز در مقابل از آزادی سخن می‌گوید اما آزادی سیاب، نوعی آزادی سیاسی است.

پی‌نوشت

۱. هر چند در قصیده «أنشودة المطر» سیاب از طبیعت و پدیده‌های آن سخن رفته است، این

قصیده بُعدی رمزی و اسطوره‌ای دارد و در مکتب واقع‌گرایی جای می‌گیرد؛ «چرا که سیاب همان گونه که از شاعران رمانتیک عرب تقلید نکرد، زیر پرچم رمانتیک‌های غرب نیز حرکت نکرد. او شخصی رمانتیک نبود که در فکر گوشه‌نشینی، انزوا و کناره‌گیری باشد، بلکه همیشه به انقلاب می‌اندیشید؛ به تندبادی که آزادی و عشق را برای جامعه به ارمغان آورد (سیاب، ۲۰۰۰: ص ۱۶).

2. nostalgia

منابع

- ادونیس (علی احمد سعید). (۱۹۶۷). بدر شاکر السیاب، قصاید، اختارها و قدم لها أدونیس. بیروت: منشورات دار الآداب.
- الیافی، نعیم؛ *تطور الصورة الفنية فی الشعر العربي الحديث*؛ دمشق: اتحاد الكتاب العرب، ۱۹۸۳.
- الیوت، تی اس؛ *برگزیده آزاد در نقد ادبی*؛ ترجمه سید محمد دامادی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
- امین پور، قیصر؛ *تنفس صبح*؛ تهران: انتشارات سرو، ۱۳۶۷.
- _____؛ *آینه‌های ناگهان*؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۲.
- _____؛ *شعر و کودکی*؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۵.
- _____؛ *مثل چشمه، مثل رود*؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۵.
- _____؛ *گلها همه آفتابگردانند*؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- _____؛ *دستور زبان عشق*؛ چ سوم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- _____؛ *گزینه اشعار*؛ چ یازدهم. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- _____؛ *بی‌بال پریدن*؛ چ پنجم، تهران: انتشارات افق، ۱۳۷۸.
- _____؛ *دردواره‌ها*؛ چ سوم، تهران: انتشارات روزنامه همشهری، ۱۳۸۶.
- _____؛ *رسم شقایق*؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۶.
- انوشه، حسن؛ *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی*؛ ج ۲، تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۷۶.
- بلاطه، عیسی؛ *بدر شاکر سیاب (حیات و شعره)*؛ بیروت: دارالنهار، ۱۹۹۱.
- بیضون، حیدر توفیق؛ *بدر شاکر سیاب. رائد الشعر العربي الحديث*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۱.
- حکاک، لیلیا؛ *نامداران فرهنگ و ادب*؛ مشهد: انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۷.
- حاوی، ایلپا؛ *بدر شاکر سیاب. شاعر الأناشید و المراثی*؛ چ سوم، بیروت: دارالکتب، ۱۹۸۳.



- _____؛ *الشعر العربي المعاصر*؛ ج چهارم: بدر شاکر السیاب، ج دوم، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۰.
- داد، سیما؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی*؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۲.
- سیاب، بدر شاکر؛ *اعمال الشعریه کامله*؛ ج سوم، بغداد: دارالحریه، ۲۰۰۰.
- _____؛ *دیوان*؛ بیروت: دارالعوده، ۱۹۷۱.
- سیدحسینی، رضا؛ *مکتبهای ادبی*؛ تهران: انتشارات نیل و نگاه، ۱۳۶۶.
- شاملو، سعید؛ *آسیب شناسی روانی*؛ ج ششم، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ *شعر معاصر عرب*؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
- شمیسا، سیروس؛ *انواع ادبی*؛ ج سوم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.
- صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسرین، حکمی، نسترن؛ *فرهنگ فارسی اعلام*؛ تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۳.
- عزت، علی؛ *اللغة و الدلالة فی الشعر، دراسة نقدیة فی شعر السیاب و عبد الصبور*؛ قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۷۶.
- عوض، ریتا؛ *بدر شاکر سیاب. اسطوره پرداز شعر عرب*؛ بغداد: الموسسه العربیة للدراسات و النشر، ۱۹۷۸.
- فاخوری، حنا؛ *الجامع فی تاریخ الادب العربی*؛ بیروت: منشورات ذوی القربی، ۱۳۸۰.
- فورست، لیلیان؛ *رمانتیسیم*؛ مترجم مسعود جعفری جزئی؛ تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۵.
- وان تیژم، فلیپ؛ *رمانتیسیم در فرانسه*؛ ترجمه غلامعلی سیار؛ تهران: انتشارات بزرگمهر، ۱۳۷۰.

